

محدودیت‌های توسعه یکپارچه روستایی - شهری ناحیه سروآباد (کردستان)

لقمان زمانی^۱، عباس سعیدی^۲، عبدالرضا رحمانی فضلی^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۱/۱۷، تاریخ تایید: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲

چکیده

توسعه یکپارچه به مفهوم یکجانبگی به ارتباط منطقی فضایی - زمانی بین بخشها در برنامه‌ریزی‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی است که قاعدتا بر مشارکت فعال مردمی و مدیریت واحد ناحیه‌ای تاکید می‌ورزد. افزون بر این، توجه لازم به تعامل اثرگذار عرصه‌های روستایی و شهری در این چارچوب پیوسته مورد تاکید است، زیرا در غیر این صورت، آنچه اتفاق افتد، نه به نفع مراکز روستایی و نه یاور کانونهای شهری خواهد بود. نظام فضایی ناحیه سروآباد، با وجود قابلیت‌های برجسته، به دلیل فقدان ناهماهنگی ساختاری - کارکردی اقتصادی و برنامه‌ریزی مناسب و یکجانبگی، از اهداف توسعه مطلوب و یکپارچه روستایی - شهری دور مانده است.

مقاله حاضر در ارتباط با ناحیه سروآباد (شامل دو شهر سروآباد و اورامان‌تخت و روستاهای ناحیه) با توجه به رویکرد توسعه یکپارچه روستایی - شهری و با تکیه بر مطالعات میدانی و پیمایشی، بر اساس پژوهشی همه‌جانبه، به دنبال شناخت و تحلیل محدودیت‌های توسعه روستایی - شهری این ناحیه بوده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد، گرچه بین شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی و کالبدی - فضایی، ارتباط مستقیم و معناداری ملاحظه می‌شود، متغیرهای ایمنی، اقتصادی - تولیدی و طبیعی - اکولوژیک، بترتیب از کمترین ارتباط و متغییر جریانهای فضایی با نشانه‌های توسعه یکپارچه، از ارتباطی متوسط برخوردار است؛ در نتیجه، توسعه یکپارچه روستایی - شهری، آنطور که انتظار می‌رود، تحقق نیافته است.

کلمات کلیدی: محدودیت‌های توسعه، توسعه یکپارچه روستایی - شهری، نظام فضایی، ناحیه سروآباد.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی
۲. استاد گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)
۳. دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه و طرح مساله

برای دستیابی به توسعه یکپارچه و تبیین نابرابریهای محلی و ناحیه‌ای و پیشبرد اقتصاد روستایی جوامع محلی و خدمات همگانی، دولت‌ها باید فضای همگانی تازه‌ای را ایجاد کنند که به نحوی بسترسازی شود که آحاد جامعه، به‌ویژه کم‌چیزان روستایی را هرچه بیشتر در برنامه‌ریزی، اجرای برنامه‌ها، اداره امور، مدیریت و نظارت فعالیتهای همگانی/عمومی دخالت دهند (سعیدی، ۱۳۸۹ الف: ۱۰). در این ارتباط، "پدیده‌های یکپارچه" همان نظامهای فضایی هستند که در قالبهای مختلف نقطه‌ای، محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای، ملی و جهانی نمودار می‌گردند. به سخن کوتاه، موضوع کانونی مطالعات جغرافیایی، واریاسی و شناخت نظامهای فضایی است (همو، ۱۳۹۴: ۱۰).

افزون بر این، اهمیت توجه به مناسبات شهر و روستا تا بدانجاست که بسیاری معتقدند، برای فهم و تعدیل پویایی جریان فقر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که در معرض شهرنشینی شتابان قرار دارند، تنها در قالب تأکید بر توسعه یکپارچه و بر نحوه و دامنه روابط متقابل و تعامل میان عرصه‌های روستایی و شهری قابل فهم و چاره‌جویی است. بر این مبنا، شناخت صحیح محدودیتها و قابلیت‌های محیط‌های روستایی و شهری می‌تواند به کوشش برای تغییر ساختاری-عملکردی روابط و مناسبات موجود و در نتیجه، برقراری پیوندهای مناسب یاری رساند. بی‌توجهی به این مهم، مسلماً به تعمیق بیشتر نابرابریها میان کانونهای شهری و محیط‌های روستایی خواهد انجامید. آشکار است که تأکید بر یکپارچگی نگرش توأمان به مقوله روستا و شهر در این پژوهش، به معنای یکسان شمردن دو وضعیت روستا و شهر نیست، بلکه پافشاری بر این واقعیت است که در عرصه‌های فضایی تعامل شهر و روستا و پیوندهای متصور میان آنها در هرگونه ارزیابی و برنامه‌ریزی فضایی نمی‌تواند و نباید نادیده انگاشته شود (همو، ۱۳۸۷: ۳۹۶).

واقعیت این است که برنامه‌ریزی در کشور پیوسته بر اساس برنامه‌ریزی بخشی ملی استوار بوده است و اصولاً-علیرغم همه بحثها و نظرات گوناگون- به برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و محلی کمتر توجه شده است. از سوی دیگر، برنامه‌ریزی روستایی به عنوان جزئی از برنامه‌ریزی یکپارچه نظام سکونتگاهی، به بهترین صورت در قالب برنامه‌ریزی سلسله‌مراتبی در سطح محلی، ناحیه‌ای و ملی قابل پیگیری است. بر این اساس، اگر به هر دلیلی اعمال نگرشهای ناحیه‌ای و محلی در برنامه‌ریزی ملی با موانعی همراه است که در شرایط موجود قابل تعدیل به نظر نمی‌رسند، می‌توان (لااقل) برنامه‌ریزی محلی و ناحیه‌ای را به عنوان مکمل برنامه‌ریزی‌های ملی در نظر داشت تا از این طریق نارسایی‌های موجود در این زمینه تا حدی تعدیلی و تسکین‌پذیرند (همو، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

اجزای محیطی-اکولوژیک و اجتماعی نظام فضایی ناحیه سروآباد با وجود قابلیت‌های برجسته به دلیل فقدان اجزای ساختاری و کارکردی اقتصادی و برنامه‌ریزی مناسب، از توسعه یکپارچه روستایی-شهری دور مانده است. ناحیه سروآباد به دلیل نزدیکی به شهر میوان و بالطبع با جریان کالا از این شهر به روستاهای این محدوده و جریان سرمایه از روستا به شهر، اگر چه در وهله نخست، گویای نوعی یکپارچگی در روابط است، اما این قابلیت‌ها و شاخصها نتوانسته است آنطور که باید و شاید، در قالبی روستایی-شهری، به توسعه یکپارچه در ناحیه منجر گردد.

از قابلیت‌های توسعه یکپارچه روستایی-شهری در ناحیه مرزی شهرستان سروآباد می‌توان به فرهنگ و آداب و رسوم، پوشش گیاهی مناسب، منابع آب، سطح سواد، جاذبه‌های گردشگری، اقلیم مناسب، صنایع دستی، ایمنی از مخاطرات محیطی، دسترسی به خدمات اداری و سیاسی، عدم آلودگی-های زیست محیطی، جمعیت با پراکنش مناسب، موقعیت استراتژیک و مواصلاتی، و یکپارچگی در فرهنگ و زبان ناحیه اشاره کرد.

مقاله حاضر با توجه به رویکرد توسعه یکپارچه روستایی-شهری و با تکیه بر مطالعات میدانی و پیمایشی، به دنبال شناخت و تحلیل محدودیتها و قابلیت‌های توسعه یکپارچه روستایی-شهری و در قالب برنامه ریزی فضایی در ناحیه سروآباد می‌باشد. در نتیجه پژوهش حاضر در پی پاسخگویی این پرسش‌ها بوده که: "ناحیه سروآباد از چه قابلیت‌های برای توسعه یکپارچه برخوردار می‌باشد؟" و "محدودیت‌های توسعه یکپارچه در ناحیه کدامند؟"

مبانی نظری

یکپارچگی شهر و روستا تحت تاثیر ویژگی‌های آنها تغییر می‌یابد. بنابراین شهر و روستا به علت پویا بودن، در دوره‌های مختلف تاریخی روابط پیچیده و متنوعی را پشت سر گذاشته‌اند. تحلیل جامع و صحیح در این زمینه با تفکیک نوع حکومت، سیاستگذاری‌ها و در مجموع بر مبنای تجدید ساختارهای اقتصادی و اجتماعی محیط امکان‌پذیر است (پاپلی- یزدی و رجبی‌سنجرودی، ۱۳۸۶: ۲۴۵). شناخت صحیح روابط جاری میان محیط‌های روستایی و شهری می‌تواند به کوشش برای تغییر ساختاری- عملکردی روابط و مناسبات موجود و در نتیجه، برقراری پیوندهای مناسب یاری رساند بی‌توجهی به این مهم، مسلماً به تعمیق بیشتر نابرابریها میان کانونهای شهری و محیط‌های روستایی خواهد انجامید (سعیدی، ۱۳۸۷: ۳۹۶).

به منظور ایجاد توسعه یکپارچه روستایی- شهری و حل مسائل، ضروریست با مدیریت و سیاست‌های مؤثر؛ عوامل، محرکها و فرایندهای پشت‌پرده شهرنشینی و شهرگرایی درک شود. در نتیجه تنها تمرکز بر مراکز و هسته‌های شهری در یک ناحیه شهری کفایت نمی‌کند، بلکه حیاتی است که مناطق عملکردی شهری و وابستگی و جریان‌های متقابل بین ناحیه‌های روستایی- شهری در راستای توسعه یکپارچه روستایی- شهری ملاحظه شود (Totzer, 2008: 2). در نتیجه اینها و با رشد سریع شهر نشینی در دهه‌های اخیر و نابرابری‌های روستایی- شهری و روند رو به رشد مهاجرت‌های روستایی بسیاری از صاحب نظران علوم اجتماعی و جغرافیدانان را بر آن داشت تا در باب یکپارچگی و مناسبات شهر و روستا به مطالعات منظم و سنجیده‌ای بپردازند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۷۴).

و در نتیجه این مطالعات در راستای توسعه یکپارچه روستایی- شهری به پنج نوع جریان افراد، تولیدات، کالاها، سرمایه و اطلاعات مابین شهر و روستاهای ناحیه می‌رسند که باعث پیوند مکمل و دوسویه روستایی- شهری می‌گردند. در نهایت این پیوندهای روستایی- شهری، دولت و نخبگان محلی را برای بهبود بخشی به توسعه اقتصادی و زیست محیطی در درون منطقه در راستای یکپارچگی روستایی- شهری و کاهش فقر متفاند خواهد ساخت (Soliman, 2004). مطالعات کمسیون اروپایی مدیریت کیفیت زندگی روستایی به این نتیجه دست‌یافته که عدم وجود توسعه یکپارچه روستایی- شهری و برنامه‌ریزی‌های شبکه‌ای باعث فشارهای شهری بر روی نواحی روستایی و ایجاد دگرگونی‌های اساسی در بافت و نظام محیطی- انسانی نواحی روستایی شده است (Hoggart, 2005).

هرگونه پایداری در روند توسعه روستایی، مستلزم نگرشی یکپارچه در قالب پارادایم فضایی است. بر این اساس تحقیق حاضر در صدد آن است که محدودیتها و قابلیت‌های نواحی روستایی و شهری را به عنوان رویکردی فضایی و استراتژیک در نظام برنامه ریزی سکونتگاهی مورد معرفی، مطالعه و بررسی قرار دهد. رویکرد فضایی بر تمرکز زدایی، مشارکت مردمی، نظارت مردمی، حمایت از متنوع سازی تولیدات کشاورزی که با در نظر گرفتن واقعیتها و پتانسیل‌های توسعه یکپارچه روستایی- شهری در یک فرایند سیاسی و با گنجاندن محدودیت‌های اکولوژیکی و اجتماعی به سرانجام خواهد رسید.

در رویکرد توسعه یکپارچه روستایی- شهری و در قالب شبکه محلی یک مرکز شهری ویژه (همچون شهر سروآباد در این مقاله) می‌تواند یک نقش اقتصادی- اجتماعی برای عرصه‌های روستایی پیرامونی و با یک رابطه دو سویه ایفا کند، در حالی که ناحیه روستایی نیز می‌تواند برای مراکز شهری نقش مکمل را داشته باشند، و در ادامه زمینه پیوند و مناسبات مستقیم نواحی روستایی با مراکز شهری در فواصل دورتر فراهم گردد.

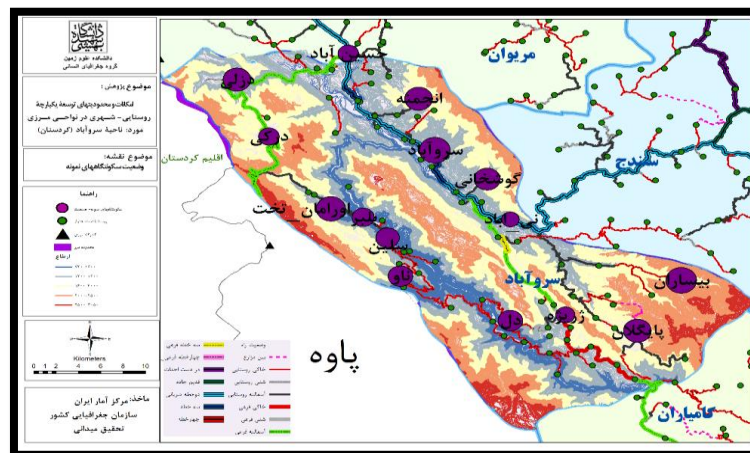
روش تحقیق

بهره‌گیری از شیوه‌ی قیاس به ما می‌آموزد، برنامه‌ها و اقدامات عمرانی بدون تکیه بر شالوده‌های علمی، یعنی تئوریه‌ها، یا به سخن دیگر، یافته‌ها و قانونمندیهای برآمده از اندیشه‌ورزیهای دانشی، قاعدتاً نمی‌توانند به‌درستی در دستیابی به اهداف متصور عمران و توسعه به یاری آیند. از اینرو، فرض بر این است که با استنتاج درخور از مقولات مطرح در مباحث مرتبط با برنامه‌ریزی فضایی و توسعه یکپارچه می‌توان در راه شناخت مؤلفه‌های اثرگذار در فضا، گام برداشت و دستیافته‌های آن را در تصمیم‌سازی‌ها و اقدامات عمرانی هم در روستاها و هم شهرها تعمیم داد (سعیدی، ب ۱۳۸۹: ۵). جامعه آماری پژوهش ۷۳ روستای دارای سکنه و دو شهر سروآباد و اورامان تخت در شهرستان سروآباد است. با استفاده از روش خوشه‌بندی برای انتخاب روستاها با استفاده از نرم افزار GIS و با توجه به پراکنش در کل ناحیه، نسبت به دو بخش مرکزی و اورامان، موقعیت طبیعی روستاها (کوهستانی، دره‌ای، پایکوهی)، فاصله آنها در ارتباط با مرز، فاصله با مرکز شهرستان، وضعیت دسترسی، میزان مهاجرت و جمعیت، نوع گویش و فرهنگ محلی ۱۲ روستا به عنوان نمونه و هر دو شهر ناحیه یعنی سروآباد و اورامان تخت انتخاب شدند.

با استفاده از روش اسنادی، سوابق آماری، داده‌های مورد نیاز و مطالعات صورت گرفته در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت و در روش میدانی برای اخذ اطلاعات از فن مصاحبه و فن پرسشگری و ابزار پرسشنامه بهره‌گیری شد. برای بررسی سطح روایی و پایایی پرسشنامه، از نظر متخصصین این حوزه استفاده شد. در نهایت داده‌ها و اطلاعات بدست آمده با استفاده از نرم افزارهای آماری تبیین و تحلیل گردید.

ناحیه مورد مطالعه از دو عرصه پایکوهی و کوهستانی تشکیل شده است. با توجه به نحوه استقرار سکونتگاههای روستایی شهرستان سروآباد ۸۲ درصد این سکونتگاه‌ها در قسمت کوهستانی - دره‌های عمیق و ۱۸ درصد در قسمت دامنه‌ای و دشتی واقع شده‌اند. این ناحیه به لحاظ تاریخی و سابقه سکونت مخصوصاً بخش اورامان دارای قدمت طولانی می‌باشد. شهرستان سروآباد طبق سرشماری ۱۳۹۰، ۳۹،۲ درصد در بخش کشاورزی، ۱۶،۱۷ درصد در بخش صنعت، ۲۲،۵۷ درصد در بخش خدمات و ۲۲،۰۶ درصد در فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده شاغل هستند. از مجموع اراضی کشاورزی در شهرستان (۹۰۷۶ هکتار)، میزان ۷۲۹۹ هکتار، معادل ۸۰،۴ درصد زراعی و ۱۷۷۷ هکتار معادل ۱۹،۶ درصد باغی می‌باشد. از این میزان اراضی ۳۹۸۵ هکتار، معادل ۴۴ درصد آبی و ۵۰۹۱ هکتار معادل ۵۶ درصد به اراضی دیم اختصاص یافته است (استاندارداری کردستان، ۱۳۹۲). شهرستان سروآباد بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی - اداری کشور تا پایان سال ۱۳۹۵ دارای دو بخش مرکزی و اورامان و دو شهر به نامهای سروآباد و اورامان تخت و هشت دهستان و ۷۳ آبادی دارای سکنه بوده است.

شکل ۱: وضعیت و پراکنش فضایی سکونتگاههای نمونه



یافته‌های تحقیق

تحلیل توانها و محدودیت مرزی و محیطی

قرارگیری بر سر راههای مواصلاتی سنندج، پاوه، میوان، مرز کشور عراق، و کامیاران - سروآباد و اورامان تحت و نزدیکی به مرز و امکان تاسیس بازارچه‌ها و گذرگاهها یک موقعیت خاص استراتژیکی را برای ناحیه ایجاد کرده است که خاصیت می‌تواند در راستای جریانات فضایی مرزی نقش به سزایی را ایفا کند. همچنین نزدیکی به موقعیت شهرهای مهم مبادلانی عراق نظیر بیاره و حلبجه و گذرگاههای مرزی منطقه ظرفیت خاصی را در جهت توسعه منطقه و تجارت می‌باشد. احداث بازارچه های مرزی نقش پراهمیتی در بهبود زندگی ساکنان نقاط مرزی دارد و در نوع خود می‌تواند توسعه همکاریهای متقابل اقتصادی، گسترش بازارهای محلی، ایجاد صلح و ثبات در منطقه مرزنشین و بالاخره بهبود امنیت در مناطق مرزنشین را موجب شود.

در حال حاضر در بین نقاط نمونه مطالعه تنها شهر اورامان تحت محدود افرادی را در راستای فعالیتهای مرزی مشغول کرده که آن هم در مرزهای پاوه است. که در آنجا با کولبری، ولاغیاری (الاغ و قاطر) و ماشینهای باری مشغول هستند. و اغلب کالاهای همچون چای و پارچه را از شهرهای بیاره، خورمال و هلبجه به داخل کشور و اغلب به مقصد پاوه و کرمانشاه حمل می‌کنند.

شرایط اقلیمی و میکروکلیمات و توپوگرافی شهرستان باعث شده که در این ناحیه، پوشش جنگلی، گیاهی و مرتعی متنوعی را شاهد باشیم. علاوه بر میکروکلیمای خاص، قرارگیری در ابتدای پیش کوههای داخلی زاگرس و بهره مندی از آب و هوای مدیترانه ای خصوصیات ویژه ای از نظر پوشش گیاهی به این شهرستان بخشیده است. از مساحت ۱۸۱۰۰۰ هکتاری شهرستان مقدار ۸۰۶۶۶ هکتار آن مناطق جنگلی می باشد. کوهپایه و کوهستانهای این شهرستان دارای عموماً پوشیده از جنگل می‌باشد که مناظر زیبایی را به وجود آورده است. جنگل علاوه بر ارزش اقتصادی دارای ارزش های اجتماعی و فرهنگی و توریستی است. در کل جنگل های غرب کشور بعد از جنگل های شمال در درجه دوم اهمیت قرار دارند. شرایط اقلیمی و میکروکلیمایی باعث شده بخش عمده‌ای از شهرستان زیر پوشش جنگلهای طبیعی قرار گیرد و این جنگلها به تبعیت از ریزشهای جوی از شرق به غرب متراکم تر می‌گردد. جنگل های بلوط شامل دارمازو، پسته وحشی، گلابی وحشی، زالزالک، بادام وحشی، زبان گنجشک و سقز می باشد. مهمترین گونه های جنگلی شهرستان شامل: بلوط، گلابی، پسته وحشی(ون)، بید، زبان گنجشک(بناوچ)، چنار، انار، سنجد و سماق می باشد.

سطح این جنگل ها سالانه در حال کاهش می‌باشد که عوامل گوناگونی دارد. مهمترین عواملی که باعث کاهش جنگلهای شهرستان می‌شود عبارتند از: تبدیل زمینهای جنگلی به اراضی کشاورزی و به زیر کشت بردن آن؛ استفاده از چوب درختان جنگلی به عنوان سوخت مصرفی در نواحی روستایی که در سالهای اخیر این امر کاهش یافته است؛ آتش سوزی که به دلایل گوناگونی رخ می دهد و در سالهای اخیر افزایش یافته است. مراتع جنگلی بیشتر آن در نیمه ی شمالی شهرستان قرار گرفته و فقط در فصل بهار مقدار زیادی علوفه از انواع گیاهان کوهستانی در آن می روید اما در تابستان از بین رفته و خشک می شوند. مراتع مرتفع کوهستانی و دشتی در فصل بهار، تابستان و پاییز مقدار فراوانی از علوفه ی مخصوص این مراتع سبز است. دامداران در فصول مناسب دامها ی خود را برای چرا به این مراتع گسیل می دارند و تا سر حد امکان علوفه ی اضافی را چیده و پس از خشک کردن در انبارها انباشته کرده و از آن ها برای تغذیه دامهای خود استفاده می نمایند.

پوشش گیاهی و حیات جانوری نقش اساسی در شکل گیری چشم اندازهای فرهنگی دارند. مطالعات انجام شده گویای این است که شرایط طبیعی برای رشد و توسعه فرصتها و محدودیتهایی را ایجاد کرده است. در واقع بستر محیطی - اکولوژیکی به عنوان بستر معیشت و فعالیتهای عرصه های روستایی - شهری در چند دهه اخیر دچار تغییر و دگرگونی

به نفع شهرها گشته است. محدودیتهای ناشی از موقعیت کوهستانی این روندها در بر هم خوردن مناسبات تولیدی علیرغم دیرپایی آن نقش اساسی داشته است.

تحلیل توانها و محدودیت دسترسی و شبکه راه

استقرار پراکنده سکونتگاههای روستایی ناحیه، با توجه به توپوگرافی آن علیرغم سرمایه گذارهای دولتی در زمینه زیر ساختها از جمله مسیر مواصلاتی پیشرفت کمتری را نشان می‌دهد. روستاهای دهستان ژریژه و شالیار بدترین وضعیت مسیر ارتباطی را دارا می‌باشند و دهستانهای بیساران، پایگلان و کوسالان فاقد مسیر ارتباطی مناسب هستند. این عامل در کنار سایر عوامل اجتماعی - اقتصادی که در دو دهه اخیر روند دگرگون سازی را نشان می‌دهد سبب عدم شکل گیری پیوندهای سلسله مراتبی روستاها با مرکز ناحیه شده است.

شکل ۲: راهها و وضعیت آبادیهای شهرستان سروآباد

نوع راه (درصد)				وضعیت طبیعی				
راه مالرو	جاده خاکی	جاده شوسه	جاده آسفالت	دره ای	جنگلی واقع در کوهستان	جنگلی واقع در دشت	کوهستانی یا تپه ای	دشتی
۲	۵۲	۶	۴۰	۵	۱۵	۰	۶۴	۱

ماخذ: مرکز آمار ایران و اداره کل راه و شهرسازی استان کردستان، ۱۳۹۷

روستاهای واقع در مسیر ارتباطی اصلی و نزدیک (دورود، ترخان آباد، دگاگاه و کراباد) به شهر سروآباد از مسیر ارتباطی پیشرفته‌تر و بالطبع روابط پایدارتر و بیشتری با مرکز ناحیه برخوردار هستند. به تبع مسیر مواصلاتی این روستاها بیشترین جریانات فضایی را با شهر سروآباد داشته‌اند. در کل ۴۰ درصد راههای ارتباطی ناحیه آسفالت می‌باشد که در مقایسه با میانگین استان و شهرستان‌ها پایین است و در میان ده شهرستان استان در جایگاه هشتم قرار دارد. وضعیت رویه‌های آسفالتی کل ناحیه نیز از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشند و نیاز به تعمیر، روکش و تعریض دارند. مسیر ارتباطی حسین‌آباد - اورامانات که مریوان را به پاوه و کرمانشاه وصل می‌کند کوهستانی بوده و اغلب فصل زمستان بر اثر برف و بهمن مسدود می‌باشد؛ در نتیجه بخش اورامان در شش ماه سرد سال با مشکل ارتباطی جدی مواجه می‌باشد، و هر ساله خسارات زیاد مالی و جانی برای سکونتگاههای این ناحیه فراهم می‌آید. این در حالی است که طبق گفته کارشناسان راه و مخاطرات محیطی با تاسیس یک تونل بر این راه ارتباطی بسیاری از این مسائل و خسارات کاسته شده و در زمان و هزینه صرفه‌های زیادی حاصل می‌آید.

شکل ۳: وضعیت شبکه ارتباطی شهرستان سروآباد

اداره کل راه و شهرسازی استان کردستان													
مهندسین مشاور رهاب سازه تدبیر													
آمار راههای استان کردستان و شهرستان ها در سال ۱۳۹۶													
رتبه در استان	شهرستان	طول کل (کیلومتر)	روستایی				درصد آسفالت بدون بین مزارع	درصد آسفالت	فرعی				درصد آسفالت
			آسفالت	شنی	خاکی	بین مزارع			آسفالت	سه خطه	چهار خطه	شنی	
۸	سروآباد	۳۹۹.۸	۱۰۲.۸	۹.۷	۱۶۱	۱۱	۳۷.۸	۳۶.۴	۳۳.۹	۷.۴	۲۷	۱۰۰	
			۲۸۵.۴						۸۰.۴				
	استان کردستان	۸۲۶۵.۲	۲۷۰.۲	۵۲۲	۲۹۶۱	۳۸۹	۴۳.۷	۴۱.۱	۶۶۱.۲	۶۸	۲۸۱	۹۹.۸	
			۶۵۷۴						۹۱.۲				
										۱۰۲۳.۶			

ماخذ: اداره کل راه و شهرسازی استان کردستان، ۱۳۹۶

تحلیل قابلیتها و محدودیت‌های اجتماعی - فرهنگی

اخیرا با برقراری جریان‌های گوناگون و همراه با گسترش دامنه روابط شهر و روستا، از جمله جریان افراد، اطلاعات و نوآوری دگرگونی‌های دامنه داری در سطح سکونتگاههای روستایی پدیدار شده است (سعیدی، ۱۳۹۰: ۸). فعالیت

اقتصادی- اجتماعی، شیوه‌های تولید و توزیع کار بین روستائیان و شهرها بخشی از روابط اجتماعی را شکل می‌دهد، که معمولاً این روابط با شیوه‌های تولید و روش‌های معیشت منطبق است. روستا در مفهوم و تعریف پیوسته در مقایسه با شهر مورد بررسی قرار می‌دهند. سکونتگاه روستایی فضایی اجتماعی است که در آن با توجه به تراکم نسبی ناچیز جمعیت، نوع خاصی از فعالیتهای اقتصادی- عمدتاً فعالیتهای کشاورزی غلبه دارد. در این نوع اجتماع، فعالیتهای بخش صنعت و به خصوص بخش خدمات و بازرگانی محدود است.

در نواحی مرزی، مخصوصاً مرزهای غربی کشور فعالیت غالب در ارتباط با فعالیت‌های مرزی همچون، کولبری، باربری با چهارپایان (الاغ، قاطر و اسب)، حمل بار با وانت، انبارداری، و امور تجارت و بازرگانی در این راستا و همه بصورت رسمی و غیر رسمی می‌باشد. اما ناحیه سروآباد به دلیل بسته بودن مرزها و معبرهای چه رسمی و غیر رسمی فعالیت عمده به ترتیب کارگری، باغداری، دامداری و زراعت می‌باشد، که منجر به روابط اجتماعی- فرهنگی خاص و در نتیجه برای ساکنان روستایی و ناحیه هویت اجتماعی- فرهنگی مشترکی را ایجاد کرده است.

با شروع جنگ هشت ساله ایران و عراق و بمباران‌های هوایی که دامنه آن نیز بخش‌هایی از روستاهای این محدوده را در بر می‌گرفت مانند (روستاهای دزلی و قلعه‌جی) مهاجرت‌های زیادی از شهر مریوان و کردستان عراق با توجه به تشابهات فرهنگی متوجه روستاهای ناحیه گردید، که سبب شکل‌گیری روابط فضایی دامنه‌داری گردید. از ویژگیهای این دوره می‌توان به اسکان‌پذیری جمعیت در اردوگاه‌های بهرام آباد، دربند دزلی که برای اسکان پناهندگان جنگی ایجاد شده بود اشاره کرد.

با پایان یافتن جنگ و بازگشت آرامش به شهر مریوان و شروع فعالیتهای عمرانی، شهر مریوان و بازار شهری آن در ارتباط با سکونتگاههای روستاهایی محدوده مورد مطالعه به عنوان مرکز شهرستان ایفای نقش می‌کند. و هنوز نیز رگه‌هایی از آن در سطح ناحیه وجود دارد و با ۵۱ درصد آمار مهاجرت‌پذیری از ناحیه شهرستان سروآباد بالاترین نسبت را دارا می‌باشد. در این دوره شهر سروآباد همچنان مرکز بخش بوده و در سطح محدودتری به ارائه خدمات اداری - خدماتی می‌پردازد. و امروزه نیز با دارا بودن عنوان مرکز شهرستان با ۴ درصد بعد از روستاهای مجاور کمترین درصد مهاجرپذیری را از ناحیه دارا می‌باشد. و شهرهای تهران و کانی‌دینار با ۲۱ و ۱۸ درصد بترتیب رتبه‌های دوم و سوم را دارا می‌باشند. درصد باسوادی و متعاقب آن درصد دانش‌آموزان و دانشجویان روستایی در حال تحصیل در روستاهای مجاور یا مراکز شهری را می‌توان به عنوان یک جریان فرهنگی به حساب آورد؛ جریانی که می‌تواند هدایت‌کننده و یا عامل تسهیلگر در بهبود روابط شهر و روستا قلمداد کرد. در کل روستاهای نمونه برای امور آموزشی حدود ۳۶ درصد مراجعات به شهر سروآباد و ۱۵ درصد به شهر مریوان داشته‌اند، در واقع این مراجعات در بین روستاهای (نیآباد و دل) که از کمترین خدمات آموزشی و غیره برخوردار بوده‌اند بیشترین و روستاهای (دزلی و حسین‌آباد) که از خدمات بالایی برخوردارند، کمترین بوده است. اغلب روستاهای بخش اورامان و دهستان دزلی بیشترین مراجعات را به شهر مریوان و بقیه به شهر سروآباد داشته‌اند. مراجعات آموزشی در سطح ادارات روستایی - شهری با شهر سروآباد صورت می‌گیرد و یک نوع پیوند دو سویه بین نهادهای آموزشی روستاها با شهر سروآباد برقرار است. برخی از روستاها (ژریژه، حسین‌آباد، دزلی و کراباد) نیز با توجه به موقعیت ارتباطی خود با دارا بودن امکانات آموزشی و خدماتی بهتر توانسته‌اند در خدمات‌دهی به روستاهای مجاور با موفقیت عمل کنند.

در مجموع روستاهای ناحیه از توانمندیهای تولیدی در عرصه دامی و صنایع دستی و نیز از پایگاههای مهم پاسداشت و تداوم سنتهای فرهنگی، تاریخی و ملی به شمار می‌روند که حتی در شهرهای ناحیه هم جلوه‌گر می‌شوند. حفظ و تشویق تنوع فرهنگی، آداب و رسوم و فعالیت‌هایی که موجب پیوستگی با گذشته و افزایش غرور محلی و مکانهای محلی را فراهم می‌کند، از اهداف اصلی توسعه پایدار محلی می‌باشد. اگر شهرنشینان با ثروت و فرهنگ خود غالباً به بهره‌کشی از روستائیان می‌پردازند و آنان را به شهروندانی درجه دوم مبدل می‌کنند، در عوض شهرها، می‌توانند فضای روستایی را

به جنب و جوش و تحرک واداشته و ساختاربندی کنند، امکانات اشتغال به کارهای غیر کشاورزی را در آن فرونی بخشند و یافته‌های اقتصادی و فرهنگی خود را از طریق جریان‌ات اطلاعات و خدمات آموزشی و نوآوری به آن وارد می‌سازند، و موجب تغییرات اجتماعی و فرهنگی می‌شوند.

تحلیل قابلیت‌ها و محدودیت‌های اقتصادی

در رویکرد توسعه یکپارچه در قالب شبکه محلی و پیوندهای روستایی- شهری یک مرکز شهری ویژه می‌تواند یک نقش اقتصادی برای عرصه‌های روستایی پیرامونی در قالب یک رابطه دو سویه داشته باشند، در حالی که ناحیه روستایی نیز می‌تواند برای مراکز شهری نقش مکمل را داشته باشند، و در ادامه زمینه پیوند و مناسبات مستقیم نواحی روستایی با مراکز شهری در فواصل دورتر فراهم گردد. تعاملات اقتصادی تحت تأثیر جریان کالا و سرمایه از شهر به روستا و برعکس شکل می‌گیرند، تعاملاتی که تحت تأثیر تحولات چند دهه اخیر گویای این مطلب است که عموماً غیره مکمل، چند بعدی و از روستا به شهر بوده به طوری که این تعاملات نتوانسته است زمینه ساز پیوندهای دوسویه شوند.

امکانات و محدودیت‌های توسعه یکپارچه در قالب روابط و پیوندهای اقتصادی به واسطه جریان (کالا، سرمایه، مواد خام، نهاده‌های کشاورزی، و کالاهای اساسی) شکل می‌گیرند. و پراکنش فضایی عرصه‌های روستایی را در هم‌نواپی با هم بر اساس پایه‌های تئوریک شبکه منطقه‌ای و محلی و یا برعکس آن بصورت یک طرفه و غیره متوازن و اغلب به نفع محدوده‌های شهری شکل داده‌اند.

نواحی مرزی و خاص‌تاً شهرستان سروآباد جهت شناخت و تبیین جریان‌ها در مقیاس ناحیه و منطقه به دلیل تنوع، دامنه و در هم پیچیدگی شکل روابط و جریان‌ات درک همه جانبه از ابعاد فضایی جریان‌ها را با مشکل رو به رو کرده است. تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز زندگی روزمره، بخشی از مراجعات روستایی- شهری را شکل می‌دهد. حدود ۶۲ درصد کالاهای اساسی مورد نیاز خانوارهای روستایی در روستاهای نمونه از روستای محل زندگی خود خریداری نموده‌اند. سکونتگاه‌های (اورامان‌تخت و حسین‌آباد) از بیشترین خرید در روستای محل زندگی خود، و روستاهای (گوشخانی، نیاباد و ژریژه) بیشترین خرید خود را در زمینه کالاهای اساسی از شهر سروآباد داشته‌اند. روستاهای (دل، بلبر، سلتن و دزلی) از روستاهای مجاور به ترتیب (ژریژه، اورامان‌تخت، اورامان‌تخت و حسین‌آباد) و روستاهای حسین‌آباد و دزلی بیشترین خرید را از شهر مریوان داشته‌اند.

ناحیه مرزی مورد مطالعه به علت نبود سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مولد چه توسط بخش خصوصی یا دولتی و ایجاد مدیریت بهینه در ارتباط با نواحی مرزی، بالطبع دامنه جریان اقتصادی محدودی از روستا به شهر برخوردار است، و روستاها نیز فاقد جریان اقتصادی مولد و خلاق شهری هستند. از مجموع خانوارهای روستایی که به فعالیتهای کارگاهی اشتغال داشته‌اند، حدود نیمی از آنها مواد خام مورد نیاز خود را نه از مراکز شهری بلکه از روستا تأمین کرده‌اند. این بدان معنا نیست که این روستاها در زمینه تهیه مواد خام خودکفا و به شهر وابستگی ندارند بلکه جریان مواد خام همانگونه که در بخش تعاملات و جریان کالا اشاره گردید به نقش واسطه‌های محلی در این جریان صحنه می‌گذارد. البته در کنار این واسطه‌ها نباید از نقش یک یا چند سکونتگاه که بخشی از مواد خام مورد نیاز کالاهای تولیدی خود و یا فراتر از محدوده را تأمین می‌کنند، مانند (حسین‌آباد و اورامان‌تخت) غافل ماند.

اما شهر مرزی مریوان در مقابل به علت داشتن موقعیت مرزی با اقلیم کردستان بخشی از مبادلات کالایی به صورت رسمی و غیره رسمی و بر مبنای یک عرضه و تقاضا دو طرفه را بر عهده دارد مانند تهیه گیوه‌های مورد نیاز بر اساس سفارشات و تقاضای بازار سلیمانیه که فرآوری و تهیه این کالا توسط روستاییان و به صورت سنتی انجام می‌گیرد. صنایع دستی در روستاهای (دله‌مرز، دل، بلبر و شهر اورامان‌تخت) به صورت تخصصی بالاترین نسبت و در سایر روستاها به صورت فصلی و پراکنده و توسط نیروی کار زنان صورت می‌پذیرد.

امکانات فضایی روستایی - شهری ناحیه در قالب جریان محصول و از روستا به شهر پر دامنه تر و از ابعاد فضایی گسترده‌تری برخوردار بوده و نقش واسطه‌ها ملموس است. نقطه مقابلی این جریان، جریان نهاده‌های کشاورزی از شهر به روستا است که دامنه محدودی تری را نشان می‌دهد و به موازات برپایی نهادها، سازمان‌ها و ادارات دولتی در شهر سروآباد بیشتر این مراجعات متوجه این شهر می‌باشد. در مقابل جریان محصولات زراعی روستایی - شهری و گستره فضایی آن، جریان نهاده‌های دامی روستایی - شهری ناحیه محدود بوده و به مصرف خانوار می‌رسد و جریان نهاده‌های دامی نیز از شهر به روستا را می‌توان یک جریان سازنده و مکمل به شمار آورد.

در سطح سکونتگاه‌های روستایی ارایه خدمات بانکی و سهولت در دسترسی به آن می‌تواند جریان سرمایه - گذاری را تسهیل و تعاملات روستایی- شهری را تقویت بخشد. ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین جهت حمایت از گسترش فعالیتهای صنعتی، صنایع روستایی، صنایع دستی، خدمات گردشگری و ایجاد و توسعه بازارهای محلی با اولویتبندی مراکز روستایی می‌تواند مسیر توسعه روستایی را هموار و ممکن سازد. حدود ۶۶ درصد مراجعات بانکی روستاهای نمونه به شهر سروآباد بوده است. گسترش فعالیتهای بانکداری شهر سروآباد در چند سال اخیر سبب شده تا بخشی از مراجعات روستایی که قبلاً با شهر میروان صورت می‌گرفت متوجه این شهر گردد. امروزه با ورود کارتخوان‌های بانکی و حتی دستگاه‌های عابر بانک به برخی روستاهای این روابط کاهش یافته است.

حدود ۴ درصد فعالیتهای کارگری، در روستاهای مجاور صورت می‌گیرد. اقلیم کردستان بعد از حمله امریکا به عراق به عنوان مرکزی برای فعالیتهای اقتصادی و کارگری مطرح شده است. و حدود ۳,۵ درصد از فعالیتهای کارگری ناحیه را جذب کرده است. برپایی و استقرار نهادها و سازمانهای دولتی در سالهای اخیر در شهر سروآباد طیف متنوعی از پیوندهای روستایی- شهری را در سطح ناحیه شکل داده است. به طوری که می‌توان وجود این نهادها را به عنوان یک جریان فضایی دوسویه سواى مکمل بودن یا نبودن آن در زمینه تعاملات روستایی - شهری قلمداد کرد به طوری که از دامنه مراجعات در سطح ادارات و نهادها به شهر میروان به شدت کاسته و زمینه ساز توسعه یکپارچه روستایی- شهری در سطح ناحیه شده است.

تحلیل قابلیت‌ها و محدودیت‌های ارتباطی

برای شناخت بهتر امکانات و محدودیت‌های ارتباطی توسعه یکپارچه روستایی - شهری، علاوه بر تحلیل بیشترین روابط روزانه، طیف دیگری از انواع روابط و مراجعات سالیانه را که حاصل جریانها می‌باشد، در سطح ناحیه مورد بررسی قرار دادیم، که شناخت این روابط می‌تواند گستره فضایی را تبیین و چگونگی شکل گیری نظامهای فضایی را تسهیل نماید. شهر میروان با ۴۳ درصد بالاترین درصد مراجعات روزانه روستایی- شهری را به خود اختصاص داده است، و سندج با ۱۱ درصد از کمترین روابط روستایی - شهری ناحیه برخوردار بوده است. در سطح روستاهای نمونه بیشترین مراجعه مربوط به شهر سروآباد با ۳۵,۸ درصد می‌باشد، که اختلاف ناچیزی با شهر میروان با ۳۵,۲ درصد دارد. تهران با ۱۳,۳ و سندج با ۶,۹ درصد در مراحل بعدی قرار دارند و روستاهای مجاور با ۸,۸ درصد کمترین مراجعه را داشته است. در سطح روستاهای نمونه، دهستان‌های (دزلی، اورامان و شالبار) بیشترین مراجعات و در مجموع طیف وسیعی از مراجعات روستایی - شهری نسبت به سایر سکونتگاه‌های شهری متوجه شهر میروان بوده است.

امکانات و محدودیت‌های ارتباطی توسعه یکپارچه روستایی- شهری، در ارتباط با بیشترین مراجعات روستایی- شهری در سطح روستاهای نمونه می‌توان به نکات زیر توجه نمود:

- با حذف مراجعات روزانه و مهاجرت که الزاماً بایستی ارتباط با خارج صورت گیرد، میانگین مراجعات به ۳۰ درصد کاهش می‌یابد که نشان از ارتباطات کم بین سکونتگاهی در سطح ناحیه می‌باشد.
- با توجه به مرزی بودن ناحیه به دلیل فقدان مرز رسمی ارتباطات خارجی در خور توجهی صورت نمی‌گیرد.

- دو شهر سروآباد و اورامان تخت با این که از مرکزیت مکانی در ناحیه برخوردارند، اما نتوانسته‌اند که مراجعات و ارتباطات داخل ناحیه را به سمت خود جذب کنند. البته بایستی مراجعات خدماتی به شهر سروآباد را در این باره مستثنی قائل شویم.
 - شهر مریوان به دلیل داشتن مرزهای رسمی و غیر رسمی توانسته است که جاذب بهتری برای ناحیه به لحاظ اقتصادی و اشتغال، مقصد مهاجران، و مرکز خرید و فروش کالا و محصولات باشد. در نتیجه روستاهای دهستان-های (دزلی، اورامان و شالیار)، که از فاصله برابری با شهرهای مریوان و سروآباد برخوردار هستند، روابط منسجم و پایداری با شهر مریوان برقرار کرده‌اند.
 - برخی روستاهای همچون (گوشخانی، بلبر، سلتن، ژریژه) دارای شبکه روابط گسترده‌تر بوده و جریانها از مقیاس دامنه دارتری در ارتباط با مراکز شهری (مریوان، سروآباد، سنندج و تهران) برخوردار هستند.
- میان سکونتگاه‌های روستایی - شهری، روابط فضایی در سطح محلی، ناحیه‌ای و ملی برقرار است، که ساختار، شکل و دامنه‌های متفاوتی را نشان می‌دهد. اما آنچه که در این میان آشکار است، به دلیل فقدان بازارچه‌های رسمی فعالیت و مراجعات اقتصادی و اجتماعی در ارتباط با خارج مرز خیلی کم دیده می‌شود. البته غیر از روابط و مراجعات محدود مرزی، روابط روستا - روستا نیز بسیار محدود می‌باشد، و این در حالی است که این خرده جریان‌های روستا - روستا هستند که می‌توانند در سطح ناحیه نقش مؤثری به عنوان مکمل توسعه یکپارچه روستایی - شهری داشته باشند. ترسیم نظام فضایی و توسعه یکپارچه و هماهنگ یک ناحیه بدون درک درست از روابط روستا - روستا، روستایی - شهری و در مرحله بالاتر فرا مرزی و تعیین سلسله مراتبی عملکردی سکونتگاه‌ها کاری عبث و بیهوده به نظر می‌رسد. بر اساس نتایج مصاحبه و (مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۵). از محدوده مطالعه قریب به اتفاق مراجعات به روستاها از روستاهای مجاور بوده که حکایت از یک روابط و مناسبات قوی بین روستا - روستا در ناحیه دارد.
- روستاهای حسین‌آباد، ژریژه و دزلی به تبعیت از تشابهات فرهنگی و مسیر ارتباطی بیشترین درصد روابط روستاهای همجوار با آنها را برخوردار بوده‌اند. شهر سروآباد و بعد از آن شهر اورامان بیشترین مراجعات از شهر به روستا را داشته‌اند، که درصد بالای مراجعات شهری به روستا، متوجه روستاهای دهستان رزاب بوده است. و اغلب افرادی بوده‌اند که دارای مشاغل بیشتر کارمندی در روستاها و با رفت و آمد روزانه هستند.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

محركهای مرزی، طبیعی - اکولوژیکی، فرهنگی - اجتماعی، و مواصلاتی تا حد زیادی در امر توسعه یکپارچه روستاهای ناحیه و تا حد کمتر نسبت به شهر سروآباد نقش بسزایی ایفا کرده‌اند. منابع آب، وضعیت راهها و دسترسی، نوع محصول و سطح زیر کشت به عنوان عوامل و نیروهای تاثیرگذار، سمت و سوی توسعه یکپارچه را تغییر داده‌اند. اشتغال کارگری و خدماتی در شهرهای بزرگ کشور و حتی اقلیم کردستان، نقش عمده ای در تامین کالاهای عمده و اساسی شهرستان ایفا می‌کند. به سبب ورود ماهواره و اینترنت و شبکه های مجازی می‌توان از یکپارچگی اطلاعاتی در ناحیه نام برد.

مطالعات میدانی نگارنده گویای این مطلب است که روستاهای دهستان‌های بیساران، پایگلان، ژریژه و دزلی و بخش اورامانات تحت تأثیر عامل فاصله جریانات کمتری نسبت به روستاهای دهستان رزاب و کوه‌سالان با شهر سروآباد داشته‌اند؛ ولی در مجموع گستره غالب جریانات فضایی روستاهای نمونه متوجه شهر مریوان بوده است. در این میان سهم روستاهایی که فاصله فضایی بیشتری با مرکز ناحیه دارند چشمگیرتر است. نظام اقتصادی ناحیه هم تحت تاثیر جریان سرمایه روند پویایی ندارد و همانگونه که اشاره گردید اغلب شکلی یکسویه با مراکز شهری دارد.

نظام اجتماعی - فرهنگی فراتر از ناحیه بوده و نه تنها مستعد شکل‌گیری توسعه یکپارچه روستایی - شهری در ناحیه می‌باشد، بلکه تمام منطقه و آن سوی مرزهای خارج کشور را نیز در بر می‌گیرد. برای تحلیل قابلیتها و محدودیت های

توسعه یکپارچه روستایی- شهری، با توجه به شاخص‌ها و مؤلفه‌های تحقیق و با تاکید به مدل شبکه محلی و ارتباط روستاهای شهرستان با شهر سروآباد (مرکز شهرستان) و شهر میوان از آزمون همبستگی پیرسون بهره گرفته شد. همانگونه که جدول (۴) نشان می‌دهد با توجه به این که میزان سطح معناداری همبستگی متغیرهای اجتماعی- فرهنگی، دسترسی، خدمات و امکانات، در ارتباط با توسعه یکپارچه روستایی- شهری کمتر از ۰۰۵ بوده و بیانگر وجود رابطه معنادار می‌باشد و نشان می‌دهد که ارتباط مستقیم قوی ای بین آنها وجود دارد؛ و متغیر قابلیت‌های ارتباطی با توسعه یکپارچه ارتباط مستقیم متوسط و متغیرهای اقتصادی- تولیدی کمترین ارتباط را دارا می‌باشند. بعلاوه بیشترین همبستگی در ارتباط با امکانات و خدمات با سایر متغیرها مشاهده می‌شود؛ یعنی هر چه قابلیت‌ها و خدمات بیشتر شده باشد، متغیرهای اجتماعی- فرهنگی و دسترسی بهبود یافته است. همچنین با بهبود قابلیت‌های ارتباطی، جریانها و وضعیت کالبدی- فیزیکی نیز بهتر شده است. البته با افزایش شاخص اجتماعی- فرهنگی، شاخصهای اقتصادی- تولیدی و کالبدی- فیزیکی نیز افزایش یافته است. حال با اثبات همبستگی بین متغیرها و قابلیت‌های توسعه یکپارچه روستایی- شهری، از آنجایی که تمامی شاخص‌ها در ناحیه مورد بررسی از وضعیت مطلوب و بالایی برخوردار نیستند، در نتیجه منجر به عدم توسعه یکپارچه روستایی- شهری شده است.

شکل ۴: تحلیل قابلیت‌ها و محدودیت‌های توسعه یکپارچه روستایی- شهری با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون

شاخص	ضریب همبستگی پیرسون	جریان	طبیعی-اکولوژیکی	اقتصادی-تولیدی	اجتماعی-فرهنگی	کالبدی-فیزیکی	سیاسی-مرزی	دسترسی	خدمات و امکانات	ایمنی	توسعه یکپارچه
جریان	ضریب همبستگی	۱	۰۰۴	۰۲۷	۰۴۴	۰۶۳	۰۰۴	۰۶۱*	۰۳۹	۰۰۶	۰۵۸
طبیعی-اکولوژیکی	سطح معناداری		۰۹۱	۰۴۵	۰۰۲	۰۰۵	۰۲۵	۰۰۴	۰۲۷	۰۸۸	۰۰۸
	ضریب همبستگی	۰۰۴	۱	۰۱۲	۰۱۶	۰۴۳	۰۱۱	-۰۲۲	۰۳۲	-۰۱۵	۰۴۱
اقتصادی-تولیدی	سطح معناداری	۰۹۱		۰۷۴	۰۶۷	۰۲۱	۰۷۶	۰۵۳	۰۳۷	۰۶۷	۰۲۴
	ضریب همبستگی	۰۲۷	۰۱۲	۱	۰۵۲*	۰۲۴	۰۵۴	۰۰۱	۰۱۹	۰۳۴	۰۳۴
اجتماعی-فرهنگی	سطح معناداری	۰۴۵	۰۷۴		۰۰۴	۰۵۱	۰۰۱	۰۹۷	۰۰۶	۰۳۴	۰۳۳
	ضریب همبستگی	۰۴۴	۰۱۶	۰۵۲*	۱	۰۶۰*	۰۵۵	۰۰۴	۰۷۷*	-۰۱۳	۰۷۰*
کالبدی-فیزیکی	سطح معناداری	۰۰۵	۰۲۱	۰۵۱	۰۰۳		۰۱۲	۰۰۳	۰	۰۹۳	۰
	ضریب همبستگی	۰۶۳	۰۴۳	۰۲۴	۰۶۰*	۱	۰۵۲	۰۰۳	۰۱۶*	-۰۰۳	۰۹۵*
سیاسی-مرزی	سطح معناداری	۰۰۴	۰۱۱	۰۵۴	۰۵۵	۰۵۲	۱	۰۵۷	۰۶۴*	۰۴۸	۰۶۸۹*
	ضریب همبستگی	۰۲۵	۰۷۶	۰۰۱	۰۰۱	۰۱۲	۰۰۹	۰۰۹	۰۰۴	۰۱۶	۰۰۳
دسترسی	سطح معناداری	۰۰۴	۰۵۳	۰۹۷	۰۲۵	۰۰۳	۰۰۹		۰۰۲	۰۶۵	۰۰۲
	ضریب همبستگی	۰۳۹	۰۳۲	۰۱۹	۰۷۷*	۰۱۶*	۰۵۷	۱	۰۷۱*	۰۱۷	۰۶۹*
خدمات و امکانات	سطح معناداری	۰۲۷	۰۳۷	۰۰۶	۰۰۲	۰۰۲	۰۰۴	۰۰۲		۰۹۴	۰
	ضریب همبستگی	۰۰۶	-۰۱۵	۰۳۴	-۰۱۳	-۰۰۳	۰۴۸	۰۱۷	۰۰۳	۱	۰۰۵
ایمنی	سطح معناداری	۰۸۸	۰۶۷	۰۳۴	۰۷۱	۰۹۳	۰۱۶	۰۶۵	۰۹۴		۰۸۹
	ضریب همبستگی	۰۵۸	۰۴۱	۰۳۴	۰۷۰*	۰۹۵*	۰۸۹*	۰۶۹*	۰۹۴*	۰۰۵	۱
توسعه یکپارچه	سطح معناداری	۰۰۸	۰۲۴	۰۳۳	۰۰۲	۰	۰۰۳	۰۰۳	۰	۰۸۹	
	ضریب همبستگی	۰۰۸	۰۲۴	۰۳۳	۰۰۲	۰	۰۰۳	۰۰۳	۰	۰۸۹	

مأخذ: بر اساس تحلیل پرسش نامه و مصاحبه‌ها

منابع

۱. اداره کل راه و شهرسازی استان کردستان، وضعیت راههای استان کردستان، ۱۳۸۷.
۲. اداره کل راه و شهرسازی استان کردستان، وضعیت راههای استان کردستان، ۱۳۸۶.
۳. استانداری کردستان، سالنامه آماری استان کردستان، فصل اول، سرزمین آب و هوا، ۱۳۸۸.
۴. بنیاد مسکن شهرستان سروآباد، طرح هادی روستای رزآب، ۱۳۸۳.
۵. پاپلی‌یزدی، محمدحسین و رجبی‌سناجردی، حسین (۱۳۸۶)، نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران، سمت، چاپ اول ۱۳۸۲.
۶. زمانی، لقمان و ریاحی، وحید، مدیریت بحران و شناخت پهنه های خطر و امن ناشی از زمین لغزش در نواحی روستایی شهرستان سروآباد، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۳۵، زمستان ۹۳. (مورد استفاده در شناخت ناحیه مطالعه)
۷. سعیدی، عباس، ده مقاله در شناخت سکونتگاههای روستایی، تهران، نشر مهر مینو، ۱۳۸۹ الف.
۸. سعیدی، عباس، روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی، یک بررسی ادراکی، جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)، سال اول، شماره یکم، ۱۳۸۲.
۹. سعیدی، عباس، روابط شهر و روستا، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران، ۱۳۸۷.
۱۰. سعیدی، عباس، سطح بندی روستاهای کشور، انتشارات شهیدی/ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
۱۱. سعیدی، عباس؛ جندقیان‌بیدگلی، سعیدرضا؛ محبی، علی‌اکبر، واریسی پویا ساختاری - کارکردی در مطالعات منطقه‌ای؛ مورد: مطالعه تطبیقی نواحی آران - بیدگل (کاشان) و راز - جرگلان (بجنورد)، جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال سیزدهم، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۴.
۱۲. سعیدی، عباس، محیط، فضا و توسعه: بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی - شهری، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۱، ۱۳۸۹ ب.
۱۳. فرمانداری شهرستان سروآباد، طرح مرتعداری، ۱۳۸۸.
۱۴. مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۸۵.
۱۵. مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰.
۱۶. مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵.
17. Hoggart, Keith, (2005), "The City's Hinterland-Dynamism And Divergence in Europe's Peri-urban Territories", Ashgate Publishing, Burlington USA& England.
18. Soliman, Ahmad Mounir (2004), Regional planning scenarios in South Lebanon: the challenge of rural-urban interactions in the era of liberation and globalization; Habitat International; 28 (2004) 384 – 408.
19. Totzer, Tanja (2008), Relationships between urban – periurban – rural regions: first findings from the Eu- project plural, Rurality near the city, leuven, February, 7-8th.